

گات‌ها

سرودهای آسمانی زرتشت سپنتان

برگردان از اوستا به فارسی
مهندس فیروز آذرگشسب

برگردان از انگلیسی به فارسی
کیهان مهرابی نژاد

به کوشش
بهنام مبارکه



تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه	اوستا - فارسی - انگلیسی، یسنا، گاهان
عنوان و پدیدآور	گات‌ها: سرودهای زرتشت سپنتمان / برگردان از اوستا به فارسی: فیروز آذرگشسب؛ برگردان از فارسی به انگلیسی: کیخسرو مهرابی‌نژاد، مینا خدادادی؛ به گوشتش: بهنام مبارکه.
مشخصات نشر	تهران: فروهر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۱ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۰-۷۵-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی - اوستایی
یادداشت	: ص. ع. به انگلیسی Gathaha
عنوان دیگر	: سرودهای زرتشت سپنتمان
موضوع	: زرتشت، پیامبر ایرانی
موضوع	: شعر اوستایی، ترجمه شده به فارسی
موضوع	: شعر اوستایی، ترجمه شده به انگلیسی
شماره افزوده	: آذرگشسب، فیروز، مترجم
شماره افزوده	: مهرابی‌نژاد، کیخسرو ۱۳۸۹-۱۳۰۵، مترجم
شماره افزوده	: خدادادی، مینا، ۱۳۳۶، مترجم
شماره افزوده	: مبارکه، بهنام، ۱۳۴۲، گردآورنده
رده‌بندی کنگ	: ۲۷۳۲۱۳ ۱۳۹۱
رده‌بندی دی	: ۸۲/۳۹۵
شماره ثبت ملی	: ۲۸۳۰۸۱۳

گات‌ها

سرودهای آسمانی زرتشت سپنتمان

برگردان به فارسی: موبد فیروز آذرگشسب
برگردان به انگلیسی: کیخسرو مهرابی‌نژاد
مینا خدادادی
اوانویسی: بهنام مبارکه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

شالوده‌ریز نشانه‌های اوستایی
آماده‌سازی و نگارش برجسته: بهنام مبارکه
لیتوگرافی: مینا خدادادی
چاپ، صحافی: چاپ راه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۰-۷۵-۸

بها: ۱۵۰۰۰ تومان



خیابان فلسطین جنوبی، پایین‌تر از خیابان انقلاب، شماره ۲۶۱

کدپستی ۱۳۱۵۷۷۳۱۱۵ تلفن و نمابر: ۶۶۴۶۲۷۰۴

www.faravaharpublications.ir

همه‌ی حقوق برای ناشر نگهداری شده است

سخن ناشر	۷
دیباجه	۱۱
پیش‌گفتار نگارنده	۱۳

ایهون ویتراکاتا

هات ۲۸	۲۷
هات ۲۹	۳۹
هات ۳۰	۵۰
هات ۳۱	۶۱
هات ۳۲	۸۳
هات ۳۳	۱۰۰
هات ۳۴	۱۱۴

زشت واکترکاتا

هات ۴۳	۱۳۱
هات ۴۴	۱۴۷
هات ۴۵	۱۶۹
هات ۴۶	۱۸۰

پنتد کاتا

هات ۴۷	۲۰۱
هات ۴۸	۲۰۷
هات ۴۹	۲۱۹
هات ۵۰	۲۳۱

ویوشترکاتا

هات ۵۱	۲۴۵
--------------	-----

ویشتوایش کاتا

هات ۵۳	۲۶۹
--------------	-----

هات ۵۴	۲۷۸
--------------	-----

جدول نشانه‌های اوستایی	۲۷۹
------------------------------	-----

سرودم را هر که نگه داشت
(و آن) که نوشت از خویش
دیرزیاد به هر سرود
سر دشمن مرده بیناد
(آن) که نهاد و (آن) که نوشت
او نیز به همین آیین
به گیتی تن خسرو
مینو یخته روان (یاد)

(درخت اسوریگ، برگردان معیار نوایی)

بنابر روایت‌های هندی «سُخَن» نیرویی جادویش دارد که اندیشه را به گُنش درمی‌آورد. این نیروی جادوانه «مَنترَه» نام‌گذاری شده و به چَم «سخن پاک» است. این که نقش‌های منتره کارآیی افزون‌تری یابد و کارگر شود، می‌بایست آن را به «گفتار» خویندگان در بنگازند.

در فرهنگ دیرینه ایرانی واژه‌ی «مَنترَه» همان منتره‌ی هندی است با همان معنی که بنا بر «اوستا گفتار» یکی از گونه‌های درمان است با کارآیی و کارآمدی بسیار در پیشگیری از بیماری‌ها.

در باور پیشینیان ما خواب نیایش، دیوانه‌ها می‌گریزند و این نیروی گفتار است که در پیکار با اهریمن پیروز میدان است. بر پارس‌ی این باور – که گفتار (زبان) داده‌ایست اهورایی – سده‌ها اوستا سینا و سینا نگاه داشته شد تا در زمانی که دین‌مردان بنا بر خور آن روزگار نگارش اوستا را آسان نمودند دبیره‌ی (= خط) اوستایی میوه‌ی کوششی ارزشمند بود از انجمنی از موبدان و دبیران که نزدیک به سده‌ی چهارم تا ششم میلادی و با نگرش بر دبیره‌های (= خطه‌ی) دوره‌ی میانه به ویژه پهلوی، «دین‌دبیره» را برای نگارش اوستا پدید آوردند.

همین موبدان را باید از آن روزگار تا امروز نگاهبان شیوه‌ی نوشتاری و آیین‌های زرتشتی دانست. بلندنگری، کوشایی و استواری اینان بر نگاه‌داشتن بازمایه‌ی گذشتگان با رونویسی از دست‌نوشته‌های کهن آن هم در روزگاری که نه از ابزار و نه از فن‌آوری امروزی خبری بود، کاری‌ست بسیار ارزنده و ناگفتنی. انگار این سرشت‌شان بود و خویشتکاری (= وظیفه) خود می‌دانستند تا جایی که در این روزگار نیز موبد فرزانه، فیروز آذرخش‌سب که خود پذیرنده‌ی دل‌شیفتگی‌گات‌هاست، دست به کار آوانویسی و برگردان گات‌ها می‌زند. کاری توان‌فرسا و در خور ستایش

که خود در مقدمه‌ی این دفتر گزارش نموده است.

بانو «توران شهریاری (بهرامی)» چاه‌سرای این روزگار، زندگی‌نامه‌ی روان‌شاد موبد فیروز آذرگشسب را چه زیبا و پُر مغز در چند بیت سروده است:

نکو موبدی از تبار پهان په ناگه فرو بست چشم از جهان
شد از دست فیروز آذرگشسب ولی نام نیکش بود جاودان
همه خاندانش بزرگان دین همه دودمانش نکو ارمان
در ایران چو تحصیل او شد تمام روان شد از آن پس به هندوستان
در آن جا پیاموخت او علم دین به نزد بهین موبدان زمان
سپس گشت عالم به کیش بهی بیامد به سوی وطن شادمان
پس از بازگشتش به این بوم و بَر در ایران پشد موبدی کاردان
بکوشید در راه دین بهی به نیروی اندیشه‌ی عشق و جان
نوشت او کتاب و نوشتارها از ایمن زرتشت اسبنتمان
بدان گونه آگه شد از گات‌ها که کرد آن خردنامه را ترجمان
چو از کیش زرتشت آگاه بود شناساند آن را به پیر و جوان
خدا باور و حق‌نکر بود او درود فراوان بر آن دودمان
چو فرزانه و راد و آگاه بود سرش خم نشد پیش هر آستان
همسرش بانویی نیکنام که شد همسر خویش را پشتیبان
او چه دختر به جا مانده است پسر اَزم و آزاده و مهربان
گفتش چو ازون ز هشتاد سال به عرش خدایی گرفت آشیان
خداوند یک پیام‌رزش به مینو بود شاد آن پهلوان

موبد فیروز دستور نوشتن آذرگشسب در پنجم تیرماه ۱۳۷۵ خورشیدی درگذشت.

تا کنون پژوهش‌گران بسیاری در پی پیامِ اندیشه‌برانگیزِ گات‌ها پژوهش کرده و دست‌آوردهای ارزشمندی را منتشر نموده‌اند. روشن است که برخورداری از برگردانِ به فارسی از گات‌ها نخستین نیازِ اینها بوده است که خوشبختانه سال‌ها پیش روان‌شاد موبد فیروز آذرگشسب آن را با نیکویی پاسخ داده است. نکته‌ی در خور توجه آن که همکیشان و دوستانِ بسیاری که در گوشه و کنارِ این گیتی در اندیشه‌های ژرفِ گات‌ها کاوش می‌کنند، انگلیسی‌زبان‌اند و نخستین و بن‌پایه‌ترین راه هم‌ا زوری و هم‌اندیشی با آنان، دانش‌یابی و اشتراک از پیامی یکتاست. از این رو همان اندازه که دستیابی به برگردانِ گات‌ها به زبان فارسی «نیاز» می‌نماید، می‌بایست در انتشارِ برگردانِ روانِ گات‌ها به انگلیسی نیز اهتمام ورزید.

تا کنون چندین برگردانِ انگلیسی از گات‌ها در دست است که یا دستیابی به آن برای همگان شدنی نیست و یا مانند نسخه‌ای که به دستیاریِ موبد فیروز آذرگشسب تهیه شده برای زرتشتیانِ انگلیسی‌زبانِ ناآشنا به اندیشه‌های گات‌ها

کمی دشوار و گاهی برداشت از برخی واژگان، دور از اندیشه‌های آن پاک‌مرد بزرگ -
آشو زرتشت اسپنتمان - است.

نشر فزوه‌ر با نگاه به این نشانه‌ها بر آن شد تا برگردان گات‌ها به زبان انگلیسی
را به کار سترگ موبد فیروز بیافزاید؛ و بر این باوریم که این کار خُرده‌ای از
ارزش‌های برگردان به انگلیسی ایشان که سال‌ها پیش انجام داده‌اند، نمی‌کاهد.

روان‌شاد «کیخسرو مهرابی‌نژاد» از دیگر نیکاندیشانی بود که برای برگردان
روان گات‌ها - به زبان انگلیسی - یاری‌رسان نشر فزوه‌ر در این راه شدند. ایشان به
سپارش نشر فزوه‌ر در روزهای نخستین خرداد ماه ۱۳۸۹ کار برگردان گات‌ها به
انگلیسی را از روی برگردان فارسی موبد فیروز آغاز نمود.

روان‌شاد کیخسرو مهرابی‌نژاد در سال ۱۳۴۴ با گواهی‌نامه‌ی دانش‌آموختگی
در رشته‌ی ادبیات انگلیسی از انگستان به ایران بازگشت. در دوران پیش و پس از
انقلاب اسلامی به عنوان مترجمی برجسته، در دفتر نخست‌وزیری ایران
فعالیت کرد. پیگیری و زحماتی او به دو زبان انگلیسی و فرانسه، سبب همکاری با
نشریات انگلیسی و فرانسوی زبان چاپ ایران شد.

روان‌شاد مهرابی‌نژاد در تپین و شتابی ناگفتنی کار برگردان بخش‌های
«آهنودگات» و «آشتودگات» را در زمان یکی از به پایان رساند.

شوربخانه بیماری روان‌شاد موبد فیروز از انتشار کار کاست و سرانجام روزگار
چرخه‌ی زندگی این مرد وارسته را از پیمایش باز داشت. کیخسرو مهرابی‌نژاد در
مهرماه ۱۳۸۹ خورشیدی پیش از آن که دست‌نوشته‌ی خود را ببیند، چشمان
خود را برای همیشه بر روی این گیتی فرو بست. یادش گرامی باد.

این کار به نیمه رسیده را می‌بایست برای آرامش و تسکین روان موبد فیروز و
مهرابی‌نژاد به پایان می‌رساندیم. نشر فزوه‌ر در جست‌وجوی فردی شایسته بود تا
بتواند این میوه را به بار نشانند.

با کارآزمودگی و چیره‌دستی‌ای که از بانو «مینا خدادادی» نشر آشنایی روی را
به پذیرش این کار فراخواندیم. ایشان دست‌نوشته‌های روان‌شاد مهرابی‌نژاد را که
در واپسین روزهای زندگی خود با دست‌های لرزان نگاشته بودند، سروسامان دادند
و با بهرگی از دانش خود کار را به پایان رساندند.

این دفتر گردآوری شده‌ایست از متن گات‌ها به سه زبان اوستایی، فارسی و
انگلیسی. هر رویه یکی از بندهای گات‌ها را در بر دارد که در زیر واژگان اوستایی آن
بند، آوانویس فارسی به همراه آوانویسی به روش بارتولومه آورده شده است. در پی
برگردان به فارسی و پس از آن برگردان به انگلیسی آمده است.

امید است بهره‌ی کار مورد پسند پژوهشگران و اندیشمندان شیفته‌ی گات‌ها
قرار گیرد و هم‌اندیشی و هم‌آوری همکیشان ارجمند را در سراسر گیتی فراهم
آورد؛ ایدون باد.

روزگاری که در آن به سر می‌بریم شکاف و دشواری‌های میان نگارش تا چاپ را

به تار موئی شبیه ساخته است؛ روزگار دود چراغ خوردن و با دشواری فراوان مرکب و دوات تهیه دیدن و با سختی بسیار برای ماندگاری یادگارهای پیشینیان رونویسی کردن را به فراموشی سپرده‌ایم. اما ستمگری‌ست تا بلندنگری موبدان و دین‌مردانی که سده‌ها سینه به سینه اوستا را نگاه داشتند و سپس سده‌ها آن را رونویسی کردند تا به ما سپرده‌اند، خدایی نکرده از یاده برده یا چشم‌پوشی کنیم. در پایان، نشر فروزهر ارج می‌نهد خویشکاری دین‌بندگان و فرزانه‌گانی که در پدیدآوری و به سرانجام رساندن این دفتر کوشا بودند.

باشد که اهورامزدا بر این کار نیک‌شان شادی افزون همراه سازد. ب.م
موسسه فرهنگی انتشاراتی فروزهر

درواز موید فیروز آذرگشسب از مشاهیر زرتشتی و موبدی شمن است. این موبد فرهیخته تحصیلات اوستاشناسی خود را در مدرسه کاما آتورنان در هندوستان به انجام رسانید و نزد بزرگترین دبیران استادان این رشته، دانش دین زرتشتی را آموزش دید. استادانهای موبد فیروز یعنی دکتر ایرج تاراپوروالا متخصص در زبانهای هندوستان و اوستا از دانشگاههای اروپایی بود.

تا پیش از ترجمه گاتهای موبد فیروز، زرتشتیان با گاتها آشنایی چندانی نداشتند. اگر چه در سال ۱۲۰۵ خورشیدی گاتها برای اولین بار به وسیله استاد ابراهیم پورداوود به فارسی برگردانیده شده بود، ولی در مدارس فقط خرده اوستا توسط موبدان و روحانیان آموزش داده می شد و از آموزش گاتها خبری نبود.

ترجمه گاتها توسط وی اثری شگفت انگیز است. همان طور که خود موبد در پیشگفتار کتاب آورده است، کار ترجمه گاتها را برای کتاب دکتر تاراپوروالا انجام شده، ولی موبد فیروز کتابهای گاتها را دیگر گزارش شده از سوی استادان بزرگ اوستا مانند بارتلمه، میلز، دستور کانگا و هوگ را زیر دست داشته و از تسلط خود بر زبان انگلیسی در تطبیق و استفاده از ترجمه های گوناگون سود برده است.

موبد فیروز برای تفهیم بیشتر هر بند از سرودهای گاتها، ترجمه آزاد و شیوایی را ارائه نموده که این کتاب در برگیرنده این ترجمه های آزاد است. این کار با ارزش، بار عرفانی و فلسفی دارد و از تفکر دینی و برداشت اخلاقی و فیلسوفانه این موبد فرزانه مشحون است. چه که موبد فیروز از کودکی در بستره اندیشه ها، فرزانه ها و سنت های آیینی زرتشتی خاندان بزرگی از موبدان ایرانی

زیسته و ریشه‌های اعتقادی و باورهای بنیادی وی از این جریان فکری چند هزار ساله سیراب گشته است.

البته در نگاه ژرف موبدِ فرزانه، اصول سنتی دینِ زرتشتی بار دیگر بازنگری شده و بر پایه سروده‌های راستین زرتشت پاک، آموزه‌های وی فشرده و طبقه‌بندی شده است. موبد برخلاف برداشت‌های کلیشه‌ای که برای اصول دین‌ها در ادیان گوناگون ارائه می‌شود، نگاهی بسیار تیزبینانه به آموزه‌های پیامبر باستانی ایران دارد و اصول عقاید زرتشت را به راستی و با ویژگی‌های مزدایی و خردمندانه آن و خشور بیان می‌نماید.

آزادی این کلید واژه گاتاهایی را موبد فیروز به عنوان اصلی از دین زرتشت معرفی می‌کند. او آشو زرتشت را مَبَشَر آزادی و خردمندی بشر برای نجات از کاستی‌های فکری و سلطه‌پذیری در برابر ستمگران و خرافه‌جویان می‌داند.

این ترجمه آزاد از گاتها، نخست به درخواست بسیاری از علاقه‌مندان به سروده‌های زرتشت، در سال ۱۳۵۵ خورشیدی به طور جداگانه توسط سازمان انتشارات فروزهر به چاپ رسید. چاپ دومی از این کتاب توسط انجمن موبدان ایرانی امریکای شمالی همراه با گزارش‌های تحلیلی آن از خرد موبد فیروز در کالیفرنیا چاپ شد.

سازمان انتشارات فروزهر همواره با غرور و سرفرازی، راه آشنایی با گاتها را با امر و پیگیرانه دنبال نموده و اینک که چاپ سوم این ترجمه زیبا و آراسته آماده می‌شود، با راستی و مهر اهورایی دستان دهمندانی را که برای زیبایی و ماندگاری سروده‌های آشو زرتشت همگام و مشوق این تلاش هستند، می‌فشارد و با فروتنی و شادمانی از کار نیک ایشان قدردانی می‌کند.

دروود به روان همه موبدان و اندیشمندان زرتشتی و درود به روان موبد فیروز آذرگشسب که با نثر شیوا و ماندنی خود گفتار آشو زرتشت را در زبان فارسی جاودانه ساخت و با نثر یک خود را با واژگان گاتهای بی‌پایخت.

چهارم خردادماه ۱۳۹۱ خورشیدی
(برابر با روز خرداد امشاسپند و خردادماه ۱۳۸۱ یزدگردی)
با شادی و رامش
موبد دکتر رستم وحیدی

پیش‌گفتار نگارنده (برای چاپ نخست)

نظر به این که جلد اول و دوم گات‌ها سرودهای آسمانی اشو زرتشت که نگارنده برای ترجمه‌ی آنها به حال حاضر بسیار رنج برده، کتاب‌های قطور و گران قیمتی هستند که خرید آنها برای همه‌ی رفق و دوستان امکان‌پذیر نیست و از آنجایی که اطلاع و آگاهی از متون سرودهای مذکور و به کار بردن دست‌نوشته‌های اخلاقی و آموزش‌های سودمند و خوش‌برگ ایران در زندگی نه فقط برای افراد زرتشتی به طور اخص بلکه برای تمام مردم جهان به طور اعم بسیار واجب است، بنا بر این بر آن شدم که تنها ترجمه‌ی کامل و آزاد شده هات (فصل) گات‌ها را یک جا در این کتاب آورده و آن را در دسترس علاقمندان قرار دهم. باشد که این راه خوانندگان محترم پی به محتوای سرودهای آسمانی زرتشت برده، درس زندگی را از این آموخته، در ساختن جهانی آباد و آزاد و پیشرفته به جدیت و کوشش پردازند و در تأمین خلیفتگی و سایش بشر همت گمارند.

ضمناً برای آن که خوانندگان را با نمندگان گات‌ها و مندرجات آن و همچنین از سراینده‌ی آنها اطلاعاتی داشته باشند سعی خواهد شد شرحی مختصر و فشرده در زیر آورده شود.

گات‌ها از لحاظ مفهوم به معنی «سرودهای آسمانی» است و با واژه‌ی «گیتا» که سرودهای مقدس هندوها است، مترادف می‌باشد. گات‌ها دارای هفت صفات یا فصل می‌باشد که چون نگینی در میان انگشتر [در بین بخش] یسنا قرار داده شده است و به پنج بخش تقسیم گشته است که عبارتند از: اهنود، اُشتود، شینتمد، وهوشتر و وهیشتواشت.

اهنود گات از هات ۲۸ یسنا شروع و تا هات ۳۴ ادامه دارد. جمیع هات فصل بوده و بنام «یشت گاهان» نیز معروف است که معمولاً هنگام انجام مراسم «پُرسه» (ختام) تمام می‌گردد و بخند خوانده می‌شود. اُشتود گات دارای چهار فصل بوده از هات ۴۳ یسنا شروع و به هات ۴۶ ختم می‌یابد. شینتمد گات نیز دارای چهار فصل می‌باشد که از هات ۴۷ یسنا شروع و به هات ۵۰ ختم می‌یابد.

وهوشتر و وهیشتواشت گات هر یک دارای یک فصل می‌باشد که هات ۵۱ یسنا را وهوشتر و هات ۵۳ را وهیشتواشت می‌نامند.

گات‌ها به زبان اوستایی بسیار کهن سروده شده از لحاظ قدمت با ریگ‌وید هندوها برابری می‌کند و از سخنان خود اشو زرتشت می‌باشد.

هر گاه بتوانیم زمان گات‌ها را تعیین کنیم، زمان اشو زرتشت سراینده این سرودهای نغز را نیز می‌توان تعیین نمود. متأسفانه با سوخته شدن کتابخانه معظم شاهی در تخت‌جمشید به دست «اسکندر مقدونی» و از بین رفتن باقیمانده مدارک دینی زرتشتیان در اثر حملات اعراب و یورش و هجوم قوم مغول به این سرزمین امروز مدرک و مأخذی که بتوانیم تاریخ زرتشت و گات‌ها را به طور

دقیق بیاییم در دست نیست. به همین علت راجع به زمان پیامبر ایران تا به حال عقاید و نظرات مختلفی ابراز شده است که از بین آنها راجع به سه نظر بحث خواهیم کرد:

نظریه اول تاریخ سنتی است که زمان زرتشت را سیصد سال قبل از حمله اسکندر به ایران و یا حدود قرن ششم پیش از میلاد دانسته است ولی این نظریه امروز به کلی مردود شناخته شده است به علت این که زبان اوستایی گات‌ها با فُرس باستان هخامنشی هیچ گونه شباهتی ندارد و از آن گذشته هیچ کدام از شاهان هخامنشی ذکری از نام پیامبر ایران نکرده‌اند.

به علاوه گشتاسب کیانی یاور و پشتیبان آشور زرتشت پادشاهی مقتدر و نیرومند بود در صورتی که گشتاسب هخامنشی که در حدود قرن ششم پیش از میلاد می‌زیست، پدر داریوش بزرگ و فرمانروای کوچکی بیش نبوده و تقریباً به طور گمنام زندگی می‌کرده است چنان که داریوش در سنگ‌نوشته خود هیچ عنوانی برای پدرش گشتاسب قائل نشده است ولی خود را شاه شاهان می‌نامد.

نظریه دوم گفته‌های مورخین یونان است که زمان زرتشت را حدود شش هزار سال قبل از میلاد ذکر کرده‌اند این نظریه نیز به علت فقدان مدارک مستند و کافی، طرفداران زیادی ندارد.

نظریه سوم عقیده اوستاشناسان و دانشمندانی است که زمان آشور زرتشت را بین یک‌هزار تا یک‌هزار و سیصد سال قبل از میلاد دانسته‌اند؛ یعنی زمان زرتشت را کمی پایین‌تر از زمان ریگ‌وید دانسته‌اند ولی در بین اوستاشناسان تنها نظریه پروفسور میلز که کمال اهمیت را دارد برای اطلاع خوانندگان در زیر نقل می‌نماید:

«سراسر گات‌ها پیش از ظهور می‌کردم زمان پیامبر ایران نباید بیش از یک‌هزار و پانصد سال قبل از میلاد باشد. ولی من مدتها در اثر مطالعه زیاد متوجه شدم که هر چقدر زمان زرتشت را از ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد کمتر می‌کنیم منطقاً تر خواهد بود. زیرا هر گاه زمان گات‌ها را قبل از پرستش مهر بدانی می‌توانی این کتاب آسمانی را کهن‌ترین مجموعه خطی بدانیم که به ما رسیده است. ولی باید متوجه شد که تفاوتی که بین تاریخ گذشته‌ی ایران و تغییراتی که در زبان آریایی به چشم می‌خورد عدم وجود «مهر» و «هوم» در گات‌ها (دو ایزدی که در اوستای متأخر و ریگ‌وید مشترک بوده و در تفصیل از آنها بحث شده) نشان می‌دهد که سالیان بسیار، بسیار درازی طول کشیده است تا کسی که خالی از هرگونه موهوم و خرافات و تعصب و آلودگی بود، تنزل کرده و سرورنی را آید که در مهرپرستی و آیین هوم رواج داشت. به طور مسلم و بدون تردید ایزدان مهرپرست در ایشته‌ها و ریگ‌وید ذکر شده‌اند بسیار کهن می‌باشند و اگر زمان گات‌ها را قبل از پرستش ایزدان مذکور بدانیم، چون در متن گات‌ها هیچ ذکری از آنها نشده است، پس تاریخی برای گات‌ها نمی‌توان تعیین کرد.»

ضمناً پروفسور رامپیس دانشمند آلمانی در این مورد می‌نویسد:

«در سراسر گات‌ها با وجود این که بیش از ۲۰۰ بار از خداوند کتابت شده شده است اغلب به صورت «مژدا-اهورا» و یا به صورت تفکیکی «مژدا» و «اهور» می‌یابیم در صورتی که در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی همیشه نام خداوند جان و خرد «اورمژد» و «سورامژدا» ذکر شده است و این موضوع نشان می‌دهد سالیان بسیار دراز و یا در حقیقت گذشت چند هزار سال لازم بوده است تا نامی که مورد توجه و استفاده همگان بوده و هر روز مردم از آن یاد می‌کرده‌اند تغییر شکل و ماهیت بدهد؛ یعنی از صورت «مژدا-اهورا» به شکل «اهورا-مژدا» و «اورمژد» در آید. تحوّل زبان به شکل مذکور خیلی به ندرت و آن هم بعد از گذشت قرن‌ها امکان‌پذیر است.»

با توجه به نظریه پروفیسور رامیسی و پروفیسور میلز و تلفیق این دو عقیده با هم می توان گفت زمان آشو زرتشت در حدود ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد بوده است. در هر حال آشو زرتشت به هر زمان و مکان و محیطی تعلق داشته باشد مایه افتخار ایران و سریلندی ایرانیان است زیرا یکی از اولین آموزگار و رهبری بود که بشر را به سوی یکتاپرستی و راستی ارشاد فرمود. در این مورد باز هم سخن خواهیم گفت.

اما گات ها همان گونه که پیشتر گفته شد دارای هفده فصل بوده و هر کدام از گات ها دارای وزن و آهنگ به خصوصی است که بدون کم و کاست به دست ما رسیده و از دست حوادث روزگار ایمن مانده است، علت آن نیز به نظم بودن این سرودها است که بهتر در حافظه ها مانده است.

برخی از گات ها دارای سه مصرع ۱۶ سیلابی و ۴۸ سیلابی و برخی هم دارای شش مصرع دوازده سیلابی می باشند.

به طور مختصر می توان گفت کهن ترین، نغز ترین، پرمغز ترین، اندیشه برانگیز ترین، والاترین و مطمئن ترین متن ستایش را گات ها تشکیل می دهند.

اکنون بنیم گات ها را راجع به چه موضوع هایی بحث می کند.

مهم ترین موضوع پیش گات ها به یکتاپرستی، طرز شناخت پروردگار یکتا و توضیحاتی راجع به مزداهوارها می باشد. یکتا و دانا و راه رسیدن به او اختصاص داده شده است. در گات ها به صراحت تمام آشو زرتشت با نخستین روزگار بشر و مُبَشَرِ یکتاپرستی مطلق می شناسد، چنان که در بند نهم از هات ۴۶ اشتودگات می خوانیم:

کیست آن رادمرد بزرگ نخستین آموزگاری که به ما آموخت تو را ای پروردگار شایسته ترین در مورد ستایش بشناسیم و تو را داور پاکِ کردارها و سرور راستی بدانیم.

به طور مسلم این رادمرد بزرگ کسی جز وختر بزرگ ایران می باشد که در ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد برای ارشاد بشر به سوی یکتاشناسی برانگیخته شد. در زمانی که موهوم و خرافات و جهل و نادانی سراسر ایران را فرا گرفته بود و خدایان پنداری بیشتر مردم توطئه و اجترام بودند و نیازها و فدی های خونین برای جلب رضایت آنها انجام می شد، آشو زرتشت مردم را به پرستش یکتا خداوند بی همتا و آفریننده ی کاینات دعوت فرموده و تنها او یعنی اهورامزدا، هستی بخش پای بزرگ، یا خداوند جان و خرد را سزاوار ستایش و پرستش می شمرد و در بند ۱۱ از هات ۴۴ شناختن فرمود:

... پروردگارا می دانم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ به عنوان نخستین آموزگار برگزیده ای.

اشو زرتشت به عنوان نخستین آموزگار بشر برای ارشاد مردم به سوی یکتاشناسی و بی برگزیده شده است و خود را موظف می داند تا در انجام این کار بزرگ که جز ارشاد و رهبری مردم جهان چیز دیگری نیست مُنتهای کوشش خود را بنماید.

در تأیید این گفتار که آشو زرتشت اولین آموزگار و مُبَشَرِ یکتاپرستی در جهان بوده است در بند سوم از هات ۲۸ اهنودگات می خوانیم:

ای هستی بخش دانا، ای آشا و ای وهومن (مظهر راستی و پاکی، اندیشه ی

نیک و مهرورزی به مردم) اکنون سرودهایی می‌سرایم که پیش از این کسی نسروده است.

همچنین در بند اول از هات ۳۱ یسنا آمده است که:
ای جویندگان دانش، اکنون آموزش‌ها و پیام‌هایی را که تا به حال شنیده نشده است برای شما آشکار خواهم ساخت.

این دو بند به خوبی نشان می‌دهد که قبل از اشو زرتشت کسی به عنوان آموزگار و رهبر بشر ظهور نکرده است.

ضمناً برای شناخت پروردگار یکتا می‌فرماید به دیده‌ی دل رجوع کنید زیرا فهم و درک خداوند یکتا از راه اندیشه امکان‌پذیر نیست چنان که در بند هشتم از هات ۳۱ یسنا آمده است:
ای خداوند جان و خرد هنگامی که در اندیشه‌ی خود ترا سرآغاز و سرانجام هستی شناختم با دیده‌ی دل دریافتم که تویی سرچشمه‌ی منش پاک که تویی آفریننده راستی و داور دادگری که کردار مردمان جهان را داوری کنی.

و در تأیید این موضوع باز در بند هشتم از هات ۴۵ اُشتودگات می‌فرماید:
چون اهورامزدا را با دیده‌ی دل دیده‌ام کوشش خواهم کرد با سرودهای پیش تو بخشش را به سوی خود جلب کنم، با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پرستش هستی را به تنی دریافتم که اهورامزدا، هستی‌بخش دانا، و پروردگار یکتا است، بنا بر این نیایش قلبی خود را به بارگاه مقدسش نیاز می‌کنیم.

در این بند با کمال روشنی اشو زرتشت اهورامزدا را تنها هستی‌بخش دانا و پروردگار یکتا دانسته و او را سزاوار نیایش و ستایش قلبی می‌داند.

برابر اُشتودگات، هات ۴۴ اشو زرتشت به طور شاعرانه اهورامزدا را آفریننده‌ی زمین و آسمان و آب و گیاه و حیوان و انسان و خورشید و ماه و سرگران و کرات در آسمان دانسته و او را آفریننده‌ی کلیه کائنات و همه هستی‌ها می‌شناسد و تنها سزاوار نیایش و پرستش می‌شمارد.

صفات‌ی که در گات‌ها برای خدا آمده است عبارتند از: نیک و ابدی، سرآغاز و سرانجام همه چیز، بالاتر و برتر از همه، فروغ بی‌پایان، روح محض، همیشه حاضر و ناظر به اعمال بندگان خویش، بخشنده و بخشایشگر مهربان، تغییرناپذیر و جاودان، از همه چیز دانا و دانا، توانا، همه کار، تیزبین و دوربین، بدون شریک و بی‌همتا، فریفته نشدنی، پدر و دوستی مهربان و ستمگر.

نکته‌ای که در گات‌ها بدان اشارات مکرر شده است الهامی بودن سخنان اشو زرتشت از جانب اهورامزدا می‌باشد امید است کسانی که ناآگاهانه و خشور بزرگ ایران را فیلسوفی می‌دانند به موارد زیر توجه نمایند.

در سرآغاز اُشتودگات چنین آمده است:
سراسر اندیشه و گفتار و کردار اشو زرتشت الهامی است از سوی خداوند یکتا که انسان را به سوی رسایی و خوشبختی راهنمایی می‌کند.

و در بند ۱۱ از هات ۲۸ می‌فرماید:

ای آفریننده‌ی بزرگ و دانا از راه خزد و بینش و الهام راز پدید آمدن آفرینش را از روز ازل به من بیاموز تا حقیقت را به مردم جهان آشکار سازم.

در رابطه با الهامی بودن سخنان اشو زرتشت در گات‌ها اشارات زیادی شده است که نگارنده یک مورد دیگر را ذکر و سپس توجه خوانندگان محترم را به نکات دیگری که جنبه‌ی اخلاقی و حیاتی دارند معطوف خواهم ساخت.

در بند سوم از هات ۳۱ یسنا آمده است که:

... ای خداوند خرد مرا از تمام این حقایق آگاه و با گفتار الهام‌بخش خود مرا روشن نما تا همه‌ی مردم را به آیین راستی ارشاد کنم.

یکی از مواردی که گات‌ها بر آن تاکید بسیار دارد و از اصول مهم کیش مزدیسنا به شمار می‌آید موضوع آزادی افراد در اختیار راه نیک و بد و گزینش دین خود می‌باشد چنانچه در بند دوم از هات ۳۰ آهتودگات چنین آمده است:

ای مردم! بهترین سخنان را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه‌ای روشن و خردمندانه آنها را بررسی کنید، هر مرد و زن راه نیک و بد را شخصاً برگزیند، پیش از این رسیدن روز واپسین همه بپاخیزید و در گسترش آیین راستی بکوشید.

و باز در بند ۱۱ از هات ۱۰۰ هم می‌مورد می‌فرماید:

ای خداوند خرد منمائی که در روز ازل جسم و جان آفریدی و از منش خویش نیروی اندیشه‌ی من بپزد به شنیدی، مانی که به تن خاکی روان دمیدی و به انسان نیروی کار کردن و ساختن عفت و رهبری کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس به دلخواه و به میل مال آزادی کیش خود را برگزیند.

مسلم است با وجود چنین آزادی افراد در مقابل عمل نیک باید خود مسئول بوده و برابر گات‌ها در روز واپسین کسی از آنها دفاع نخواهد کرد بلکه طبق بند ۳۰ آهتودگات اهورامزدا مقرر فرموده است که «بدی از برای بدان و نیکی از برای نیکان خواهد بود» به عبارت دیگر از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو ز جو. برای هر کار نیکی پاداش و برای هر کار بدستی کیفر مقرر گردیده است و قانون آشا یعنی کنش و واکنش در همه جا و همه موارد حکمفرمایت و هیچ کس هر چقدر هم با قدرت و نفوذ، نخواهد توانست از واکنش عمل ناشایست خویش در امان باشد چون برای هر کاری مکافات و مجازات تعیین شده است. اشو زرتشت به مردم توصیه می‌کند بر سر بند و زشتی پیکاری دائم و پی‌گیر باید داشت و تا نابودی آن نباید از مبارزه دست کشید در بند ۴ از هات ۶۰ آهتودگات در این مورد چنین آمده است:

ای مزدا کسی که با تمام نیرو و وجودش بر علیه هواخواهان دروغ پیکار کند، او جهان آفرینش را به راه خزد و دانش حقیقی رهبری خواهد کرد.

در مورد پیکار با بدی و کمک به فیروزی روشنایی بر تاریکی و سپنتامینو بر انگره‌مینو اشارات مکرری شده است که به ذکر برخی از آنها مبادرت خواهد شد.

در بند دوم از هات ۳۳ یسنا می‌فرماید:

«کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با یازوان خویش با بدکاران پیکار کند و نقشه‌ی آنها را عقیم سازد و یا آنان را به راه راست رهبری کند چنین شخصی خواست پروردگار را انجام داده و به خداوند جان و خرد عشق می‌ورزد.»

در کیش زرتشت و بنا به گات‌ها تنها پرهیز از کارهای ناشایست و دوری از شر و فساد کافی نیست بلکه عملاً باید از افراد تبه‌کاری که در صدد ایجاد فساد و یا جنایتی هستند جلوگیری به عمل آورده و حتی القوه سعی کند افراد منحرف و سیه‌کار را به راه راست هدایت نموده و زشتکاری آنها را عقیم سازد.

اشو زرتشت معتقد بود کسی که سیه‌کاران را کمک و یاری نماید خود نیز از طرفداران و هواخواهان آنها است و کسی که به نیکوکاران کمک کند از پارسایان و درستکاران به شمار خواهد آمد چنان که در بند ۴۶ اُشتودگات می‌فرماید:

... کسی که برای هواخواهان دروغ آرزوی فیروزی کند و بدان‌ها یاری دهد و از هواخواهان دروغ و کسی که درست‌کرداران را دوست داشته و بدان‌ها یاری دهد در زمره‌ی پارسایان به حساب خواهد آمد

برای دوری کردن از شر و دروغ و تبه‌کاری در هات ۵۳ یسنا بند ۶ اشو زرتشت به پیروان خود چنین توصیه می‌فرماید:

ای مغان در زین کوشش کنید... از دروغ که همان زندگانی مادی و وسوسه‌انگیز است پرهیز کنید، از پیشرفت ریا و فریب جلوگیری نمائید، پیوند خویش را با دروغ یک پاره نگه دارید و بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادرست و بدبختی و بیچاری دیگران به دست آید جز رنج و افسوس چیزی به بار نخواهد آورد. تبهکاران دروغ‌پرستانی که در پی تباهی درست‌کرداران‌اند به راستی زندگانی معنوی و آرامش روحی خود را از بین خواهند برد.

موضوعی که در گات‌ها بدان اهمیت بسیار داده شده است انسانیت و مردم‌داری آدمیان می‌باشد. اشو زرتشت بیشتر به جنبه‌ی اخلاقی مردم توجه دارد، او می‌خواهد هر کسی افراد بشر برادروار در کنار هم با صلح و صفا و مهر و محبت زندگی کرده و به یکدیگر مهرورزند. او خوشبختی را خوشبخت کردن دیگران می‌شناسد چنان که در اُشتودگات می‌فرماید: «اوشتا آهمایی یهمایی اوشتا گهمایی چیت» یعنی خوشبختی برای کسی است که دیگران را خوشبخت سازد.

اشو زرتشت یاری کردن درماندگان و بیچارگان و دستگیری از ناتوانان و مسکینان وظیفه و جدانی هر فردی می‌داند و پاداش افرادی که به درویشان کمک کنند ملکوت آسمانی و نیروی اهورایی مقرر فرموده است.

اشو زرتشت توصیه می‌فرماید برای رسیدن به خداوند یکتا و زیارت دیدار او تنها با پرورش فرزگان اهورایی که بنام «امشاسپندان» معروف‌اند میسر است که در رأس همه اندیشه نیک و سالم و منش پاک یعنی وهومن قرار دارد. وقتی انسان مغز خود را از هر گونه افکار ناشایست و پلید پاک کرد و

اندیشه نیک و خیرخواهی را جایگزین آن ساخت، هنگامی که بدون حب و بغض و بدون خودخواهی به مسائل توجه پیدا کرد و سود دیگران را بر منفعت خویش ترجیح داد آن وقت است که فروزه‌ی پاک‌منشی خداگونه در او به وجود آمده است و می‌تواند به مرحله‌ی دوم کمال که آشا یعنی راستی و پاکی است گام بنهد. در این مرحله باید راستی و درستی را همیشه جلو دید خود قرار دهد و از دروغ گفتن سخت پرهیز نماید اگر جان او نیز در خطر باشد نباید از راست گفتن بهراسد، با پیشرفت در این مرحله به فروزگان گذشت و انصاف، مروت و جوانمردی، اعتدال و میانه‌روی، شهامت و مردانگی خو، خواهد گرفت و به سومین گامه‌ی خویشتن‌داری و چیرگی بر نفس و خدمت به مردم که از ویژگی‌های خسترا یا شهرپور است دست خواهد یافت. سخت‌ترین مرحله این جاست که انسان بتواند بر امیال و نفس‌ها و آرزو و خواهش‌های خویش شهریاری کند و در اثر تمرین مداوم و جهاد با نفس از این مرحله نیز فیروز بیرون آید، از آن پس به آخرین گامه شپنتاآرمیتی یعنی عشق پاک و فروتنی و درباری گام خواهد گذاشت در این مرحله شاگرد مکتب انسانیت عشقی پاک به خدا و همه بندگان خدا پیدا خواهد کرد و چون از مهر و محبت نسبت به همه افراد بشر لبریز خواهد شد و به مرحله کمال و رسایی و جاودانی که اروتات و آمروتات (خرداد و آمرداد) خواهد رسید و در این مرحله وجودش از فروزگان جدا نخواهد شد و انباشته خواهد گردید و چون پرتوی از فروغ درخشان اهورایی به همه برادران و خواهران نوعی نور تابان خدمت و فداکاری خواهد تاباند چنین شاگردی که مراحل کمال و انسانیت را طی کرده است هدایت‌ی انبیا و بشر را بر هر نژاد و ملیت و مذهب چون برادر دوست خواهد داشت و به همه محبت خواهد ورزید و به هر مرحله کمال انسانیت وارد گشته است، او دیگر به وسیله‌ی پرورش فروزگان اهورایی، خداگونه شده است، او ای سیدن به خدا اول بار به درون خویش توجه پیدا کرده و سپس با بینش درون با اندیشه پاک به آشتی با نفس و آشتی و دوستی و چیرگی بر نفس و محبت به همه توانسته است به آرمان خویش یعنی دیدار با خدا و دستیابی به آن نایل گردد.

اشو زرتشت جهان هستی را میدان مبارزه و کشمکش دائم دو نیروی ضدین یعنی شپنتامینو و آنگره‌مینو می‌داند و می‌فرماید، این دو گوهر همزاد و همراه در عین حال که با هم مخالف و در ستیزاند لازم و ملزوم یکدیگر نیز می‌باشند. وجود این دو گوهر با هم فراتر از هستی را پدید می‌آورند؛ مثلاً نیروی مثبت و منفی در عین مخالف بودن با یکدیگر موجب به وجود آمدن برق می‌گردند. نیروی جاذبه و دافعه موجب ثابت ماندن کرات آسمانی در جای خود می‌باشند، نیک و بد و زشت و زیبا بستگی به طرز اندیشه ما دارند. آن چه به سود ما است نیک و آن چه به زیان ما باشد آن را بد و نازیبا می‌شماریم.

بنا به فرموده‌ی اشو زرتشت آن چه در این جهان وجود دارد از آفرینش خداوند یکتایی باشد در ذات خود نیکوست و به منظور خاصی آفریده شده‌اند؛ مثلاً تریاک ماده‌ای است که هم سفارش و مسکن و هم کشنده و مرگ‌آفرین، اگر مقدار کم آن در مورد دندان درد و یا برای تسکین درد دیگری به کار برده شود بسیار نافع و نیکوست، ولی اگر برای خودکشی و نابودی مورد استفاده قرار گیرد، زهری ست کشنده و مرگ‌آور و ماده‌ای ست بسیار مضر و زیان‌آور، نیک و بد همان طور که قبلاً گفته شد بستگی به طرز تفکر بشر دارد، به عبارت دیگر نیک و بد و زیبا و زشت از زمانی به وجود می‌آیند که بشر پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد و نیروی تشخیص و تمیز او به کار می‌افتد به طوری که در بند سوم از هات ۳۰ پینا آمده است:

آن دو گوهر همزادی که در آغاز در عالم تصور پدیدار شدند یکی نیکی است و دیگری بدی در اندیشه و گفتار و کردار...

چنان که از مفاد بند بالا روشن می‌گردد، دو گوهر سَپَنتا و آنگره‌مینو دو گوهر همزادی هستند که در برابر هم قرار گرفته‌اند و در عالم اندیشه به صورت نیک و بد ظاهر می‌گردند. اصلاً مفهوم خود «مینو» اندیشه و منش می‌باشد که یکی گوهر پاک یا اندیشه فزاینده و سازنده است و دیگری گوهر ناپاک یا اندیشه ویرانگر و تباہ کننده.

انگره‌مینو که بعدها در زمان ساسانیان به صورت «آخزمینو» و «آهرمینو» و «آهریمن» تغییر شکل یافته است نمی‌تواند خالق شر باشد و در برابر اهورامزدا، هستی‌بخش دانای بزرگ و سرچشمه‌ی نیکی‌ها قرار گیرد. اهریمن در نهاد بشر وجود دارد و بستگی به اندیشه ویرانگر شیطان‌صفتان و ددمنشان دارد و به هیچ وجه وجود خارجی ندارد، و به عبارت دیگر می‌توان سپنتمانو و انگره‌مینو را به فرشته‌ی خدای اهریمن صفتی تعبیر کرد که هر دو در خوی و خصلت و اندیشه و نهاد انسان قرار دارد و از او جدا نیست، بنابراین آخر بند سوم هات ۳۰ یسنا:

دانا‌یان و فرزندان راه نیک و درست را برمی‌گزینند ولی ناپسندان چنین نیکو را راهی ندارند و بی‌راهه خواهند رفت.

شخص نادان مکرر در گذر ره‌های نفس و کج خیالی خود شده و به راه خطا خواهد رفت و در نتیجه کارهای ناشایست غیرانسانی را از او سرخواهد زد و رفته رفته ددمنشی و اهریمن‌صفتی در او ظهور و بروز خواهد نمود و تجسمی نخواهد بود از اهریمن انسان‌نما، ولی شخص فرزانه و دانشمند راه نیک اختیار خواهد کرد و بر هوای نفسانی خویش چاه خواهد زد و با کارهای انسانی و شایسته خود فرشته‌ای خواهد شد به صورت انسان.

در مورد سوشیانس و موعود زمان در گات می‌گوید:

در هر دورهای از زمان که بی‌دینی و بی‌ایمانی، فسق و فجور، دزدی و دروغ، فساد و جنایت، قتل و غارت، بی‌داد و ستم، حق‌کشی و زورگویی عرصه را بر مردم می‌گشاید، در چنین موقعی سوشیانت یا نجات‌دهنده و رهایی‌بخش ظهور خواهد کرد تا مردم را از بدبختی بیچارگی نجات بخشد. سوشیانت‌ها جهان را تازه خواهند کرد و تحولاتی پدید خواهند آورد و داد و انصاف و راستی و درستی و نیکی و خوبی و آشتی و آرامش در جهان مستقر خواهند ساخت. اینگونه سوشیانت‌ها یا سودرساننده‌ها و رستگاری‌بخش‌ها بارها آمده‌اند و باز هم خواهند آمد.

سوشیانت‌ها برای پیشبرد جهان به سوی تکامل و رسایی و تازه گردانیدن آن از لحاظ تحول و دگرگونی به سود جامعه‌ی رنج دیده و مصیبت کشیده و پیشرفت مردم به سود آبادانی و کمال انسانیت هر چند وقت یک بار ظهور کرده و می‌کنند مخصوصاً در مواقع بحرانی که خدایان آنها بسیار چشم‌گیر خواهد بود.

در گات‌ها دروغ یا دروغ را مادر تمام گناهان و بدبختی‌ها دانسته و «دِرْگونت» یا «ثروند» یعنی هواخواه دروغ و دروغگو را دشمن دین راستین مزدیسنا خوانده و از آن به بدی یاد می‌کند. دیویسناها یا هواخواهان خدایان پنداری و دروغین در برابر مزدیسنان یا پرستندگان مزدا، خداوند یکتا بارها قد

علم کرده و سځ راه پيشرفت آشو زرتشت در ارشاد مردم به سوى يكتاپرستى شده‌اند.

رؤسا و كاهنان ديويشنا بنام «كويان»، «كريان» و «اوسيشخس» مزاحمت‌هاى بسيارى براى پيغمبر به وجود آورده و در بدآموزى و منحرف ساختن مردم كوشش مى‌نمايند گاه گاهى آشو زرتشت از كندى پيشرفت كار خويش به ستوه مى‌آيد و زبان به شكوه مى‌گشايد ولى هيچ گاه در ايمان او نسبت به اهورامزدا خللى وارد نمى‌گردد. گات‌ها نشان مى‌دهد چگونه و خشور بزرگ با صبر و شكيبائى و پس از تلاش و كوشش بسيار و مواجه شدن با ناكامى‌ها و زخم‌زبان‌ها سرانجام در دهمين سال مأموريت خويش موفق مى‌شود پسر عموى خويش ميديوماه و چند تن از خويشان نزديك خود را به دين بهى آورد و دو سال بعد چون پيغمبر در غرب ايران موفقيتى به دست نمى‌آورد به سوى شرق و بلخ روى آورده و گشت سب شاهنشاه زورمند كيانى را پس از بحث و مناظره‌هاى طولانى با دانشمندان دربار به كيش خود در مى‌آورد و با او، جاماسب و فروشتر نيز كه از وزرا و افراد بسيار سرشناس و فرزانه كوشوراند دين بهى را قبول و با كمك آنها كيش زرتشتى مزديسى در جهان رو به گسترش مى‌رود.

برگات در ستاس فروشتر و جاماسب و ميديوماه به عنوان ياران بسيار باوفا و بهترين پشتيبانان زرتشت پذيرفته شده‌اند. و خشور بزرگ نامبردگان را از اعضاى برجسته «انجمن مغان» يا «انجمن بزرگواران» آزادگى شمارد. اعضاى اين انجمن بنام مَغ يا مَگ يعنى بزرگى و بزرگوارى و فرزانيگى معروف است و از هر لحاظ بزرگوار، آزاده و فرزانه به شمار مى‌آمدند، رياست اين انجمن با خود آشو زرتشت بود.

نكته مورد توجه ديگر در گات‌ها آن است كه آشو زرتشت بيشتر روى سخنش با دانايان و بخردان است و تأكيد دارد كه تنها اين گروه پياپى او را شنوند و به ديگران برسانند زيرا و خشور پاك، نيك مى‌داند كه اشخاص نادان و كوردل قادر به درك ژرفى پيام استين او نبوده و نخواهند توانست برابر آن رفتار نمايند و بيشتر تابع احساسات خود قاسم خيانت گرفت.

گر چه پيمبر در رساندن پيام خود به طبقه پست و سفكر و دانا بيشتر توجه دارد ولى مكرر توصيه مى‌نمايد كه خردمندان و فرزندان بايد جاهلان و نابخردان را بخش بياموزند و در شناخت راه از چاه آنان را يارى نمايند چنان كه در بند ۱۷ از هات ۳۱ اهنودگات مى‌فرمايد:

... دانا بايد با دانش خويش نادان را نگاه بازدارد تا بايد كه نابخرد گمراه بماند.

آشو زرتشت پس از يك عمر تلاش و كوشش و انجام مأموريت ارشاد و رهبرى مردم جهان به سوى راستى و يكتاپرستى سرانجام بنا به بند اول وهيشتوايست گات همه خواستگارش به بهترين نحوى برآورده شده و از يك زندگاني نسبتاً طولانى و سراپا پارسايى و خوش و خرم برخوردار گردیده و حتى كسانى كه با او دشمنى داشتند و اذيت و آزارش مى‌کردند تغيير رويه داده و حاضر شدند به خندان حكمت‌بار و اندیشه‌برانگيزش را به گوش هوش بشنوند و به او احترام گذارند و در گفتار و كردار اين بهى پيروي كنند.

چنين بود زندگاني سراپا كوشش و تلاش و خشور بزرگ ايران و پيام آسماني او. اميد است علاقمندان به گفتار و پيام آشو زرتشت به فارسى روانى كه از تمام بخش‌هاى گات‌ها آورده شده است بهره‌ي نيك گيرند و در زندگاني به كار برند.

در پایان لازم می‌داند نظرات روان‌شاد دکتر ایرج تاراپوروالا استاد عالی‌قدر خویش و همچنین پروفیسور میلز انگلیسی را در مورد سرودهای آسمانی زرتشت برای اطلاع خوانندگان محترم در زیر یاد نماید؛ دکتر تاراپوروالا در مقدمه‌ای بر گات‌های خود می‌نویسد:

«تنها کسانی که به رازِ درون خود پی برده و با کوشش خستگی‌ناپذیر برای پاک کردن مغز خویش از هر گونه پلیدی و اندیشه‌های ناشایست طریق روحانیت را طی کرده‌اند، می‌توانند به درک گفتار و مفاهیمِ درونی سخنانِ پیامبرانِ بزرگ نائل آیند. بنیان‌گذارانِ ادیان و سراینده‌ی گات‌ها از روی خرد و دانش بسیط و پُر ژرف سخنانی پُر از حکمت و فلسفه ایراد کرده‌اند. گفتارِ این نوایغ جهان را نمی‌توان «جاهلانه رها کردن تیری در تاریکی دانست» و یا آن را با حرف‌های نامفهوم کودک شیرخواری تشبیه کرد. بلکه باید سخنان مزبور را تراوشاتِ فکری شخصیت‌های نامدار و دانشمندانِ بسترگی دانست که به درجه کمال رسیده و از سوی خداوند یکتا به آنها الهام شده است. پیامبرانِ بزرگ حقایق آموزش‌های خود را به شاگردان و پیروانِ اولیه خود تعلیم دادند ولی نسل‌های بعدی نتوانستند آن طور که باید و شاید گفتارِ پیامبرانِ خود را درک کنند. بنابراین رفته رفته موهوم و خرافات که زاینده چهل و نادان است آموزش‌های حکیمانه‌ی آن رادمردانِ بزرگ و نجات دهنندگان بشر را مغشوش و پیریشان ساخت.

تاریخ کلیه مذاهب نشان می‌دهد که بنیان‌گذارِ یک مذهب همیشه گفتارش از روی دانش حکمت، بینش و بصیرت بوده و الهامی از جانب خداوند یکتاست و خود بنیان‌گذار نیز دارای شخصیت ممتاز و مافوق بشرِ عادی و یا اَبَر‌مرد می‌باشد. مریدان و پیروانِ اولیه نیز که مناسبت با پیغمبر بوده و یا چند سالی بعد از او آمده‌اند از لحاظ فهم و ادراک و بصیرت به موضوعاتِ مذاهب بحث‌های اخلاقی نسبت به اشخاص متوسط و عادی بسیار برتری داشته‌اند. ولی متأسفانه با گذشتِ زمان موهوم و خرافات و روش‌های ناپسند وارد آیین پاک و بی‌آلایش با آن گردید و به مرور زمان جای تعلیم اصولی پیامبر را گرفت.

از بین اوستاشناسان غرب استاد پروفیسور انگلیسی نظراتی بسیار زیبا و خردمندانه درباره‌ی گات‌ها و متون آن دارد که در مقدمه‌ی گات‌های خود آورده در زیر قسمتی از آن را نقل می‌نماید:

نکته‌ای که در این سرودهای آسمانی بیشتر از هر چیز دیگر توجه را به خود جلب می‌کند آن است که تمام قدرت در دستِ پادشاهانِ سوادیه است بنام «اورامزدا». نامبرده دارای شش فروزه یا پرتوی است بنام امشاسپندان یا «سپیدان‌های مقدس». آتش، مظهرِ پاکی و قدرتِ خداوند و سروش، مظهرِ فرمانبردارانِ اورامزده نیز مانند امشاسپندان تجسم یافته و در گات‌ها مورد احترام و اهمیت می‌باشند.

ضمناً از دو نیرو یا دو مینو بنام شَیْطَن و اَنگَرَه صحبت شده است که لازم و ملزوم یکدیگر بوده و با اتحاد یکدیگر خیر و شر را در جهان هستی برپا می‌کند. خود آورده و در نتیجه موجب مکافات و مجازات شده‌اند. حقیقت آن است که بهشت و دوزخ به صورتِ مردمانِ روشن فکرِ امروزی با آن آشنایی دارند و جنبه‌ی معنویت دارد برای آنکه بارها گات‌ها ذکر شده است. بشر سالیان دراز مانند طفل، از ترس و وحشتِ دوزخ و رنج و عذاب‌های نوابگون پس از مرگ بر خود می‌لرزید و از لذایذ و نعماتی که در بهشت برخوردار خواهد شد شادی‌ها می‌نمود. در صورتی که زرتشت در روزگارانِ بسیار کهن حقیقت را آشکار ساخت که پاداشِ بهشت و مجازاتِ دوزخ امری درونی و معنوی است. او به مردم آموخت که مکافات و مجازات منشی و ذهنی است؛ و بهشت و دوزخ همان راحتیِ اندیشه و آسایشِ وجدان و ناراحتیِ فکر و عذابِ وجدان می‌باشد. آموزش این نکته در تغییر عادات و روش فکری ایرانیان باستان بسیار مؤثر بود.

در گات‌ها برای راهنمایی نیکوکاران پیروی از دستور کلام مقدس مانتره و پرورش امشاسپندان که همانا فروزگان ویزه‌ی پروردگار اند تأکید شده است. در صورتی که کج‌منشان و سیه‌دلان را در گات‌ها می‌بینیم از وسوسه‌های اکوفن یا اهریمن گمراه گردیده به زشت‌کاری و ستمگری خود مشغول اند به طوری که روان آفرینش از ستمگری‌های آنها به ستوه آمده و به درگاه اهورا پناه می‌برد. کوشش مردمان درستکار و با تقوی برای تأمین زندگی از راه مشروع با مخالفت دیوپرستان که سعی دارند علی‌رغم خواست مزدایرستان بر کشور ایران حکمفرمایی داشته باشند مواجه می‌گردد. سرانجام با درخواست روان آفرینش اشو زرتشت برای ارشاد و نجات مردم تعیین و نوید داده می‌شود. از آن به بعد به یک سلسله نیایش و ستایش و درخواست و موعظه و اندرز بر می‌خوریم.

در خلال گات‌ها به جنگ‌های خونین و حمله و هجوم دشمنان یکتاپرستی بر می‌خوریم ولی از لحن کلام زرتشت و سپاسگزاری او به درگاه اهورا درک می‌کنیم که پیامبر موفقیّت شایانی به دست آورده و در امر رسالت پیروز گردیده است.

اما راجع به این که زرتشت که بود و در کجا زندگی می‌کرد و چه موقع از مادر زاییده شده، پروفسور

میلز چنین می‌نویسد:

زرتشت یکی با شخصیت تاریخی است و در وجود او هیچ گونه تردیدی نمی‌توان داشت. در مورد این که سرودهای تقدس گات‌ها به زرتشت و نزدیکانش نسبت داده شده است نیز برای من شک و ابهام و وجود ندارد. گرچه امکان دارد قسمت‌هایی از گات‌ها بعدها وارد سرودهای آسمان زرتشت شده باشد. ممبذا به طور کلی مضامین گات‌ها یک پارچه بوده و حتی عبارات و جملاتی که در این کتاب آسمانی گنجانده شده با مضمون و مقاد اصلی گات‌ها شباهت کامل دارد و از لحاظ ظاهر کلام نیز با آن مغایرتی ندارد.

علتی ندارد که نام زرتشت به عنوان یکی از محبوب‌ترین و عزیزترین نام برای بشر باقی مانده باشد مگر این که صاحب این نام بی‌شک چنان شخصیت برجسته‌ای باشد که شاهنشاه با قدرتی چون گشتاسب را با تمام افعال ظلمرو خویش مجذوب بیانات شیوا و اندرزهای حکیمانه خود کرده باشد. در گات‌ها مواردی هست که به طور وضوح سراینده‌ی این سرودها را نشان می‌دهد. مثلاً در بند ششم از هات ۵ (بند صدگای ۵) آمده است که:

«ای اهورامزدا بگذار کسی که صدای خود را سرایید کلام مقدس بلند کرده است و او زرتشت، دوست وفادار توست از روی راستی دستورهای تو را به مردم جهان ابلاغ و آنها را ارشاد نماید.»

و باز در این مورد ادامه می‌دهد:

سراسر گات‌ها از لحاظ قافیّه و اوزان شمری و استعارات و اصطلاحات و عبارات یک‌نواخت و یک پارچه بوده و تردیدی نیست که اثر اندیشه و تراوشات فکر و تفکر به طور مستقیم و یا غیرمستقیم می‌توانست باشد. حال اگر فرض کنیم زرتشت سراینده گات‌ها نیست، پس شخص بی‌نام دیگری که اندیشه و روح و قلب و ضمیرش در راه توسعه و انتشار مذهب یکتاپرستی صرف گشته است باید این مهم را انجام داده باشد.

اهمیت نام زرتشت را می‌توان در اقدامات شخصی پیامبر دانست. گرچه نام ویشتاسپ، فروشتر و جاماسپ هم در گات‌ها ذکر شده است ولی نمی‌توان سخنان کتاب آسمانی را از آنها دانست زیرا سراینده‌ی سرودهای آسمانی از لحاظ شخصیت و تفکر به مراتب از آنها برتر بود.

چیزی که روشن است این که در سراسر آیات این کتاب آسمانی روح یک نفر تنظیم کننده و در روحیه شاگردانش احساسات یک استاد تجلی و تظاهر می‌کند. راجع به خصوصیات ویژه‌ی این آموزگار بشر همانا تعالیم ارزنده‌ای است که در کتاب گات‌ها گنجانده شده است.

... گر چه امروز برخی از همان افکار بلند جنبه فلسفه‌های مذهبی و اخلاقی پیدا کرده است ولی تا آن زمان هنوز چنین اندیشه‌های شگرف و سخنان گهربار را کسی بر زبان نیاورده بود.

طرز تفکر و بیان شیوای پیامبر کاملاً ویژگی داشت. در هر یک از واژه‌ها و عبارات و نوشته‌هایش اندیشه‌ای ژرف و پرمغز نهفته است. مهارت و استادی او در بیان حقایق عرفانی بی‌نظیر است. اختصار و وضوح در نوشته‌هایش به منتهای درجه می‌باشد. اندیشه بلند و شگرف او در تجسم بخشیدن به فروزانگان ویزه پروردگار به صورت امشاسپندان که پرورش آنها موجب تزکیه روح و رستگاری بشر می‌گردد چنان استادانه بیان شده است که دانشمندان عالی قدر امروزی از درک این که اشا و هوْمَن به صورت فرشتگان و امشاسپندان تجسم یافته و یا این که اندیشه و اراده‌ی خیرخواهانه‌ی پروردگار است که در انسان تجلی پیدا کرده، عاجز می‌باشند.

ارزش و اندیشه و گفتار پیامبر ایران باستان را باید از نقطه نظر زمان و مکان سنجید. چون نسخه به این دو عامل مهم، داورِی صحیح در مورد زرتشت امکان ندارد. هنگامی که خردمندانی گات‌ها به زمان بسیار کهن که این سرودهای مقدس سراییده شده و به تمدن نسبت ابتدایی هر می‌اندیشد از بیان حکیمانه‌ی پیامبر ایران ناگزیر زبان به تحسین و تمجید می‌شایند.

راجع به احساسات شخصی زرتشت می‌توان گفت او نسبت به اهورامزدا ایمانی خلل‌ناپذیر استوار داشت و به او عشق می‌ورزید. واژه زَردایتی *zarezdāiti* که دارای مفهوم «خلوص نسبت به صفای باطن» است در مورد پیامبر ایران مصداق دارد. از مفاد گات‌ها می‌دانیم که اشو زرتشت شش سال به سهمانی بوده ولی از جنگ و خونریزی پرهیز داشته است. در مقابل سختی‌ها و دشواری‌ها چندان خودداری نمود ولی برای فیروز شدن بر دشواری‌ها ایستادگی و سرسختی نشان می‌داد.

در گات‌ها همه چیز جدی و رواقی است. روح آفرینش به طور شاعرانه در حال استغاثه است و اهورامزدا و امشاسپندان را در حال صحبت کردن و گوش دادن و دیدن می‌یابیم... همه چیز در گات‌ها عملی است. «گَرهما»، «بندو»، «تویان»، «دَریان» و «اوسِیخَش» دشمنان زرتشت، غول‌های افسانه‌ای نیستند. هیچ مردمانی در دهای مردم شهر و روستا را تهدید نمی‌کند و هیچ پهلوان افسانه‌ای از مردم حمایت نمی‌کند. فرشتگان، جاماسپ، میدیوماه، اسپتمان، هوگو و هیچ‌کس شخصیت رسمی هستند که به طور ساده و بی‌تکلف از آنها نام برده شده است. به جز الهام و وحی آسمانی که در هر اندیشه و تفکر عمیق به زرتشت دست می‌دهد در گات‌ها از معجزه و کرامات خبری نیست. فرشتگان انسان در اطراف تلاش و کوشش و غریزه‌ی طبیعی برای زیستن و رنج بردن می‌زنند. یک نفر اوستاشناس چنان چه اول گات‌ها را خوب مطالعه کند و بعداً به یشت‌ها و ویدیا بپردازد، در واقع می‌توان گفت چنین شخصی از عالم حقیقت به سرزمین افسانه‌ای قدم خواهد گذاشت.

در گات‌ها پیامبری را می‌بینید که در حال تلاش و کوشش و تحمل سختی و مشقت است در صورتی که در یشت‌ها همین شخص را به صورت نیمه‌خدای افسانه‌ای مشاهده می‌کنید. هر چند افکار اصولی در افسانه‌های یشت‌ها و وندیداد کهن بوده و برخی از آنها مسلماً از گات‌ها و ریگ‌وید هندوها نیز کهن‌تر می‌باشد ولی به طور کلی و فی‌المجموع زمان

تدوین پشت‌ها و وندیداد بسیار متأخرتر از گات‌ها می‌باشد.
من (میلز) تصور می‌کنم گات‌ها کمتر از سایر قسمت‌های اوستا مورد دستبرد قرار گرفته است و چنان چه عبارات و جملاتی از خارج در آنها گنجانده شده باشد یا از روزگاران بسیار کهن بوده و یا شباهت بسیار زیادی با اصل متن داشته است. آن قسمت از گات‌ها را که بعداً در متن اصلی گنجانده‌اند به احتمال قوی کار شاگردان اولیه زرتشت می‌باشد که همان روحیه و ایمان و اخلاص استاد را در نوشته‌های خود حفظ کرده‌اند.

پروفسور میلز در پایان مقدمه خویش بر گات‌ها می‌نویسد:

گاهی برخی از دوستانم می‌پرسند چه چیز باعث شد که به آیین زرتشت و مطالعه گات‌ها روی آورم. در پاسخ باید بگویم من در سنین جوانی اشتیاق فراوانی به مطالعه و تحقیق در رشته‌ی عرفان و تخصص در این علم داشتم. در سال ۱۸۷۲ میلادی که به اروپا آمدم این رشته را دنبال کردم. بعد عاشق و شیفته‌ی فلسفه‌ی «کانت» شدم و مدت‌ها نیز روی این فلسفه کار کردم ولی سرانجام برای پیدا کردن مبدأ و اصل عرفان به زبان «زند» و «میتا» روی آوردم و فهمیدم که تمام این رشته‌ها مانند دانه‌های زنجیر به هم بستگی و ارتباط دارند و انسان را به چشمه حقیقت و خوشبختی راهنمایی می‌کنند.

پیش‌گفتار خود را به سخنران نغز استاد پروفسور میلز اوستاشناس انگلیسی و دارمستتر فرانسوی پایان می‌بخشم:

«... برای تاریخ افکار بشر ارزشی قائل گردیم باید گفت اوستا مقام مهمی را در این تاریخ تحولات و تحولات واهدای اوستا فقط کمترین اثر جدایی از افکار آریایی را به ما ارائه نمی‌دهد بلکه از نظر تأثیر عمیق و وسیع که در دین یهودی و مسیحی داشته است مقام مؤثری در توسعه مذهب و سرنوشت روح بشر کسب کرده است» / (میلز)
«کم در آمدترین و درماندترین مریضی خود را سربازی می‌داند که باید برای فیروزی راستی بر دروغ و نیکی بر بدی مبارزه کند.
... کسی که اطمینان دارد در پرتو سستی و کوشش بر مشکلات زندگی چیره خواهد گردید مسلماً شکست در اندیشه او راه نخواهد یافت و اطمینان باعث شده است که زرتشتیان پس از گذشت طوفان‌های سهمگین و بلایای خانم کوز هزار پای ساجا مانده در هندوستان از همه پیشرفته‌تر و در جهان متمدن پیشگام‌تر از همه و سوی دروغ و روشنائی با کاروان تمدن همگام به جلو می‌تازد» / (دارمستتر)

امید است خوانندگان علاقمند به ویژه زرتشتیان از گفتارهای نغز و پُر از حکمت اسوز زرتشت درس زندگی و انسانیت بیاموزند و آموزش هایش را در زندگی به کار برند تا هم در جهان کاروانی در عقبی رستگار گردند.

سیزدهم مرداد ماه ۱۳۶۰ خورشیدی
(روز سروش و مرداد ماه ۱۳۵۰ یزدگردی)
موبد فیروز آذرگشسب